

# فهرست

۷

مروری بر قواعد عربی دوره ی اول متوسطه

۱۱

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

۲۳

الدَّرْسُ الثَّانِي | إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ

۳۶

سؤالات امتحان میان نوبت اول

۴۰

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ | مَطَرُ السَّمَكَ

۵۳

الدَّرْسُ الرَّابِعُ | التَّعَائِشُ السَّلْمِيُّ

۶۵

سؤالات امتحان نوبت اول

۶۸

الدَّرْسُ الْخَامِسُ | هَذَا خَلْقُ اللَّهِ

۸۱

الدَّرْسُ السَّادِسُ | الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ

۹۴

سؤالات امتحان میان نوبت دوم

۹۷

الدَّرْسُ السَّابِعُ | صِنَاعَةُ النَّفْطِ

۱۰۹

الدَّرْسُ الثَّامِنُ | يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ

۱۲۲

سؤالات امتحان نوبت دوم

# مروری بر قواعد عربی دوره‌ی اول متوسطه

## فعل و انواع آن

فعل کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در زمان گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

**فعل ماضی:** فعلی است که انجام‌دادن کاری یا روی‌دادن حالتی را در زمان گذشته نشان می‌دهد:

دَهَبْتُ (رفتم)      دَهَبْتَ (رفتگی)      دَهَبْتِ (رفتگی)

**فعل مضارع:** فعلی است که نشانگر انجام کار یا داشتن حالتی در زمان حال و آینده است:

أَدْهَبُ (می‌روم)      تَدْهَبُ (می‌روی)      تَدْهَبِينَ (می‌روی)

**فعل منفی:** فعل ماضی با «ما» و فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود.

مَا دَهَبْتُ (نرفتم)      لَا أَدْهَبُ (نمی‌روم)

**فعل مستقبل (آینده):** فعلی است که با افزودن «س» یا «سَوْفَ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود:

سَأَدْهَبُ (خواهم رفت)      سَتَدْهَبُ (خواهی رفت)      سَتَدْهَبِينَ (خواهی رفت)

**فعل امر:** فعلی است که انجام‌دادن کاری را از مخاطب می‌خواهد؛ مانند: اِدْهَبْ (برو)، اِدْهَبِي (برو)

**فعل نهی:** فعلی است که مخاطب را از انجام کاری باز می‌دارد؛ مانند: لَا تَدْهَبْ (نرو)، لَا تَدْهَبِي (نرو)

با نام‌گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی و ترجمه‌ی آن‌ها بیشتر آشنا شویم.

نام صیغه به فارسی و عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	أَنَا	كَتَبْتُ: نوشتم	أَكْتُبُ: می‌نویسم	
دوم شخص مفرد	تو	أَنْتَ	كَتَبْتَ: نوشتی	أَكْتُبُ: بنویس	لَا تَكْتُبُ: ننویس
		أَنْتِ	كَتَبْتِ: نوشتی	أَكْتُبِينَ: بنویس	لَا تَكْتُبِي: ننویس
سوم شخص مفرد	او	هُوَ	كَتَبَ: نوشت	يَكْتُبُ: می‌نویسد	
		هِيَ	كَتَبَتْ: نوشت	تَكْتُبُ: می‌نویسد	
اول شخص جمع	ما	نَحْنُ	كَتَبْنَا: نوشتیم	نَكْتُبُ: می‌نویسیم	
دوم شخص جمع	شما	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمْ: نوشتید	أَكْتُبُوا: بنویسید	لَا تَكْتُبُوا: ننویسید
		أَنْتُنَّ	كَتَبْتُنَّ: نوشتید	أَكْتُبْنَ: بنویسید	لَا تَكْتُبْنَ: ننویسید
		أَنْتُمَا	كَتَبْتُمَا: نوشتید	أَكْتُبَا: بنویسید	لَا تَكْتُبَا: ننویسید
		أَنْتُمَا	كَتَبْتُمَا: نوشتید	أَكْتُبَا: بنویسید	لَا تَكْتُبَا: ننویسید
سوم شخص جمع	ایشان	هُمْ	كَتَبُوا: نوشتند	يَكْتُبُونَ: می‌نویسند	
		هُنَّ	كَتَبْنَ: نوشتند	يَكْتُبْنَ: می‌نویسند	
		هُمَا	كَتَبَا: نوشتند	يَكْتُبَانِ: می‌نویسند	
		هُمَا	كَتَبَتَا: نوشتند	تَكْتُبَانِ: می‌نویسند	

## اسم

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص و اشیا به کار می‌رود.

### اسم مذکر

هر اسمی که بر جنس نر دلالت کند، مذکر است و اسم‌های غیرانسان که نشانه‌ی «ة، آة» ندارند، غالباً مذکر به شمار می‌آیند؛

«الرَّجُلُ: مرد»، «الإبن: پسر»، «التلميذ: دانش‌آموز»، «الشَّجَرُ: درخت»، «أَلْجَبَلُ: کوه»، «الْصَّف: کلاس»

## اسم مؤنث

هر اسمی که بر جنس ماده دلالت کند مؤنث است؛ هم‌چنین اسم‌های غیرانسان که نشانه‌ی «ة، ة، لة» دارند نیز مؤنث به شمار می‌آیند؛  
 «المرأة: زن»، «البنات: دختر»، «التلميذة: دانش‌آموز»، «الشجرة: درخت»، «اللوحة: تابلو»، «الحديقة: باغ»

## مفرد، مثنی و جمع

**مفرد:** اسمی که نشانگر یک فرد یا یک چیز است؛

«الوالد: پسر»، «الكرسي: صندلی»، «الطفل: کودک»، «التفاحة: پنجره»، «القرية: روستا»

**مثنی:** اسمی است که بر دو فرد یا دو چیز دلالت می‌کند و دو علامت دارد: «ان» و «ین».

«الطالبان، الطالبین: دو دانش‌آموز» / «الطائران، الطائرتین: دو هواپیما»

**جمع:** اسمی است که بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و سه نوع دارد:

**جمع مذکر سالم:** هرگاه به آخر اسم مفرد مذکر «ون» یا «ین» بیفزاییم، جمع مذکر سالم به دست می‌آید؛

«صادق» + «ون، ین» ← «صادقون، صادقین» / «مسرور» + «ون، ین» ← «مسرورون، مسرورین»

**جمع مؤنث سالم:** هرگاه به آخر اسم مفرد مؤنث «ات» اضافه کنیم، جمع مؤنث سالم ساخته می‌شود؛

«طالبة + ات» ← «طالبات» / «مدرسة + ات» ← «مدرسات» / «فايزة + ات» ← «فايزات»

**جمع مکسر:** جمع برخی از اسم‌ها مکسر (شکسته) است؛ یعنی، شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند؛

طالب، طلاب / مفتاح، مفتاح / كتاب، کتب / طفل، أطفال / عبئة، عبء / رجل، رجال

## اسم‌های اشاره

اسم‌هایی هستند که برای اشاره به کار می‌روند.

مفرد	«هذا: این» اسم اشاره به نزدیک برای «مفرد مذکر» است.
	«ذلك: آن» اسم اشاره به دور برای «مفرد مذکر» است.
	«هذه: این» اسم اشاره به نزدیک برای «مفرد مؤنث» است.
	«تلك: آن» اسم اشاره به دور برای «مفرد مؤنث» است.
مثنی	«هذان: این دو، این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «مثنای مذکر» است.
	«هاتان: این دو، این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «مثنای مؤنث» است.
جمع	«هؤلاء: این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «جمع‌های مذکر و مؤنث» است.
	«أولئك: آن‌ها، آن» اسم اشاره به دور برای «جمع‌های مذکر و مؤنث» است.

ذلك، بستان جميل. آن، باغی زیباست.

تلك العرقة، نظيفة. آن اتاق، پاکیزه است.

هاتان اللوحتان، غاليتان. این دو تابلو، گران هستند.

أولئك، نساء مجاهدات. آن‌ها، زنانی رزمنده‌اند.

هذا الرجل، طبيب ناجح. این مرد، پزشکی موفق است.

هذه، نافذة خشبية. این، پنجره‌ای چوبی است.

هذان، طالبان مسروران. این‌ها، دو دانش‌آموز خوشحال هستند.

هؤلاء الأبناء، رياضيون. این پسران، ورزشکار هستند.

## کلمات پریشنی

## «هل و أ: آیا»

در پاسخ مثبت آن‌ها «نعم» به معنای «بله» و در جواب منفی آن‌ها «لا» به معنای «نه، خیر» به کار می‌بریم:

هل كتبت واجباتك أمس؟ آیا دیروز تکالیف‌ت را نوشتی؟

نعم؛ كتبت واجباتي أمس. بله دیروز تکالیفم را نوشتم. / لا؛ ما كتبت واجباتي أمس. نه دیروز تکالیفم را ننوشتیم.

### فرق «هَل» و «أ»:

حرف «هَل» را فقط در جمله‌های مثبت و حرف «أ» را در جمله‌های مثبت و منفی به کار می‌بریم؛

هَل اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت کردی؟ (درست)

هَل ما اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت نکردی؟ (نادرست)

أ اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت کردی؟ (درست)

أ ما اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت نکردی؟ (درست)

### «مَنْ»: چه کسی؟ چه کسانی؟

کلمه‌ی پرسشی «مَنْ» برای پرسش از شغل و نام افراد به کار می‌رود.

مَنْ هُوَ؟ - هُوَ مُمَرِّضٌ. او کیست؟ - او پرستار است. / مَنِ أَنْتُمْ؟ - نَحْنُ لِاعِيتَانِ. شما کیستید؟ - ما بازیکن هستیم.

### «لِمَنْ»: مال چه کسی؟ مال چه کسانی؟

کلمه‌ی «لِمَنْ» برای پرسش از مالکیت اشیا به کار می‌رود و در پاسخ به این کلمه‌ی پرسشی می‌توانیم با «لِ» به معنای «مالی، برای» شروع کنیم؛

لِمَنْ هَذِهِ السِّيَّارَةُ؟ - لِمُحَمَّدٍ. این خودرو مال کیست؟ - مال محمد است.

### «مَا»: چه، چه چیز، چیست

برای پرسش درباره‌ی چیزهای گوناگون به کار می‌رود؛

مَا هَذِهِ؟ - هَذِهِ جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ. این چیست؟ - این جایزه‌ی طلایی است. / مَا ذَلِكَ؟ ذَلِكَ مِفْتَاحٌ. آن چیست؟ - آن کلید است.

کلمه‌ی پرسشی «مَا» به شکل «مَازَا: چه چیز»، «مَا هُوَ: چیست»، «مَا هِيَ: چیست» نیز به کار می‌رود؛

مَاذَا عَلَيَّ الْمِنْصَدَّةُ؟ - كِتَابٌ كَبِيرٌ. روی میز چیست؟ - کتابی بزرگ. / مَا هُوَ شُغْلُ يَاسِرٍ؟ - بَيْعُ الْكُتُبِ. شغل یاسر چیست؟ - کتاب‌فروشی.

### «أَيْنَ»: کجا

کلمه‌ی پرسشی «أَيْنَ» برای سؤال در مورد مکان به کار می‌رود. در پاسخ به آن از کلمات «فِي: در، داخل» / «عَلَى: بر، روی» / «تَحْتِ: زیر» / «أمام: روبه‌روی» /

«خَلْفَ: وراء: پشت» / «جَنْبَ: کنار» / «عِنْدَ: نزد» / «حَوْلَ: اطراف» / «فَوْقَ: بالای، روی» / «بَيْنَ: میان» / «هُنَا: این‌جا» / «هُنَاكَ: آن‌جا» / «عَلَى اليمين: سمت راست» /

«عَلَى اليسار: سمت چپ» استفاده می‌شود؛

أَيْنَ البَقْرَةُ؟ - خَلْفَ الشَّجَرَةِ. گاو ماده کجاست؟ - پشت درخت. / أَيْنَ قَلَمُكَ؟ - عَلَيَّ الْمِنْصَدَّةِ. قلمت کجاست؟ - روی میز.

### «مِنْ أَيْنَ»:

هرگاه بخواهیم از کسی بپرسیم «اهل کجا هستی؟» از «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده می‌کنیم؛

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا إِيرَانِيٌّ. تو اهل کجا هستی؟ - من ایرانی هستم.

مِنْ أَيْنَ أَنْتُمْ؟ - نَحْنُ مِنْ لِبْنَانِ. شما اهل کجا هستید؟ - ما لبنانی هستیم.

### «كَمْ»: چند، چقدر

در پاسخ به این کلمه‌ی پرسشی از اعداد اصلی بهره می‌گیریم.

كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ - تِسْعَةٌ طَلَابٍ. چند دانش‌آموز داخل کلاس هستند؟ - نه دانش‌آموز.

كَمْ قَلَمًا عِنْدَكَ؟ - عِنْدِي أَحَدٌ عَشَرَ قَلَمًا. چند قلم داری؟ - یازده قلم دارم.

### «لِمَاذَا»: برای چه؟

از این کلمه برای پرسش از علت انجام کار استفاده می‌شود.

در پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «لِمَاذَا» می‌توانیم با «لِأَنَّ: برای این‌که» یا «لِ: برای» شروع کنیم؛

لِمَاذَا ما جَاءَ صَدِيقُكَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ - لِأَنَّهُ كَانَ مَرِيضًا. چرا دوستت به مدرسه نیامد؟ - زیرا او مریض بود.

لِمَاذَا ذَهَبْتَ إِلَى السُّوقِ؟ - لِشِرَاءِ الْقَمِيصِ. برای چه به بازار رفتی؟ - برای خریدن پیراهن.

## «مَتَى»: چه وقت؟ چه موقع؟

در پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «مَتَى» کلمات زیر می‌آیند که بر زمان دلالت دارند:

«اليوم: امروز / أمْسٍ: دیروز / عَدَاً: فردا / صَبَاح: صبح / لَيْل: شب / نَهَار: روز / قَبْلَ سَنَتَيْنِ: دو سال پیش / مَسَاءً: شب، بعدازظهر / فِي الشَّهْرِ

الماضي: در ماه گذشته / فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ: در ماه آینده / و ...»

مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - قَبْلَ يَوْمَيْنِ. چه وقت به هتل رسیدید؟ - دو روز قبل.

مَتَى تَبْدَأُ الْإِمْتِحَانَاتُ؟ - فِي شَهْرِ خُرْدَاد. چه وقت امتحانات شروع می‌شود؟ - در ماه خرداد.

## فن ترجمه

۱. هرگاه اسم بعد از اشاره بدون «ال» بیاید، آن اسم اشاره طبق صیغه‌ی خود ترجمه می‌شود:

هَذَا طَالِبٌ (این، دانش‌آموز است.) هؤلَاءِ، طُلَّابٌ. (این‌ها دانشجو هستند.)

۲. هرگاه اسم بعد از اشاره همراه «ال» باشد، آن اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود:

هؤلَاءِ الطُّلَّابِ، مُجْتَهِدُونَ. (این دانش‌آموزان، کوشا هستند.)

۳. در جمله‌هایی که فعل مفرد به کار رفته در حالی که فاعل (انجام‌دهنده‌ی) آن، اسم مثنی یا جمع باشد؛ فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود:

يُخْرِجُ اللَّاعِبَانِ مِنَ سَاحَةِ الْمَسَابِقَةِ. دو بازیکن از میدان مسابقه بیرون می‌روند.

رَجَعَتْ أُخَوَاتِي مِنَ بَيْتِ جَدِّي. خواهرانم از خانه‌ی پدر بزرگم برگشتند.

۴. گاهی کلمه‌های «عِنْدَ: نزد» یا «لِ، لَ: برای» برای مالکیت به کار می‌روند:

«لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» خدا نام‌های نیکو دارد. / عِنْدَكُمْ بَيْتٌ كَبِيرٌ. خانه‌ی بزرگی دارید. / لَنَا مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ. کتابخانه‌ی بزرگی داریم.

۵. فعل «كَانَ» گاهی پیش از فعل مضارع می‌آید و معادل «ماضی استمراری» در فارسی می‌شود:

كَانَ التَّلْمِيذُ يَكْتُبُ واجباته. دانش‌آموز تکالیفش را می‌نوشت.

كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ. دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خواندند.

السَّائِقُ كَانَ يَسْتَعِيزُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظَّهْرِ. راننده از صبح تا ظهر کار می‌کرد.

# الدرس الأول ذاك هو الله

## الف عین ترجمه الكلمات الملوّنة.

- |           |                  |    |                             |
|-----------|------------------|----|-----------------------------|
| ابر       | باران            | ١  | الغيم بمعنى السحاب.         |
| یاری کردن | آشنایی با همدیگر | ٢  | التعارف في مكتبة المدينة.   |
| برگها     | شاخهها           | ٣  | عصون هذه الشجرة جميلة.      |
| ستارهها   | اخگر (پارهی آتش) | ٤  | الشرزة قطعة من النار.       |
| تاریکی    | روشنایی          | ٥  | ضياء القمر من الشمس.        |
| فرودگاه   | ایستگاه قطار     | ٦  | ركبت الطائرة في مطار طهران. |
| پژمرده    | تر و تازه        | ٧  | أوراق هذه الشجرة نضرة.      |
| پراکندگی  | پارهی آتش        | ٨  | الشمس جذوتها مستعرة.        |
| ریزان     | فروزان           | ٩  | أنعم الله منهمرة دائماً.    |
| آماده     | سرسبز            | ١٠ | صارت الأرض بعد المطر خضرة.  |

## ب كمل الترجمة.

ذاك هو الله: آن، همان خداست.

- |    |   |  |
|----|---|--|
| ١  | أَنْظُرُ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَه / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضِرَه      | به آن درخت ..... شاخههای ..... بنگر.               |
| ٢  | كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَه            | چگونه از دانه‌ای .....؟ و چگونه درختی .....؟       |
| ٣  | فَأَبْحَثُ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَه | جستوجو کن و بگو چه کسی ..... را از آن .....؟       |
| ٤  | وَ أَنْظُرُ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَه     | و به خورشیدی که ..... آن ..... بنگر.               |
| ٥  | فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَه                   | در آن ..... هست و با آن گرمایی ..... هست.          |
| ٦  | مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَه     | چه کسی آن را در فضا مانند ..... پدید آورد؟         |
| ٧  | ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْرَه               | آن همان خدایی است که ..... او ..... است.           |
| ٨  | ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَيْهِ / وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَه                | دارای دانش ..... و نیروی ..... است.                |
| ٩  | أَنْظُرُ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَه          | به شب نگاه کن؛ چه کسی ..... را در آن .....؟        |
| ١٠ | وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَه                | و آن را با ستارگانی مانند ..... پراکنده .....؟     |
| ١١ | وَ أَنْظُرُ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَه      | و به ابر نگاه کن؛ چه کسی ..... را از آن .....؟     |
| ١٢ | فَصَبَّرَ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْبَارِ خَضِرَه                | و زمین را پس از تیره‌رنگی با آن .....؟             |
| ١٣ | وَ أَنْظُرُ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ / مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَه    | و به انسان بنگر و بگو چه کسی ..... را در او .....؟ |

۱۴ مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ / بِقُوَّةٍ مَّفْتَكِرَهُ

چه کسی او را با نیرویی .....؟

۱۵ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمِرَهُ

آن همان خدایی است که ..... است.

بِاعْلَمُوا بِدَانِيْد

صِيغَةُ الْأَفْعَالِ

در جدول زیر با نام‌گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا می‌شویم.

نهی	امر	مضارع	ماضی	ضمیر	نام صیغه‌ها به فارسی و عربی	
		أَفْعُلْ	فَعَلْتُ	أنا	من	متکلم وحده
لا تَفْعَلْ	إِفْعَلْ	تَفْعَلْ	فَعَلْتِ	أَنْتِ	تو	مفرد مذکر مخاطب
لا تَفْعَلِي	إِفْعَلِي	تَفْعَلِينَ	فَعَلْتِ	أَنْتِ	تو	مفرد مؤنث مخاطب
		يَفْعَلْ	فَعَلَ	هُوَ	او	مفرد مذکر غایب
		تَفْعَلْ	فَعَلْتِ	هِيَ	او	مفرد مؤنث غایب
		نَفْعَلْ	فَعَلْنَا	نَحْنُ	ما	متکلم مع الغیر
لا تَفْعَلُوا	إِفْعَلُوا	تَفْعَلُونَ	فَعَلْتُمْ	أَنْتُمْ	شما	جمع مذکر مخاطب
لا تَفْعَلُنَّ	إِفْعَلْنَ	تَفْعَلُنَّ	فَعَلْتُنَّ	أَنْتُنَّ		جمع مؤنث مخاطب
لا تَفْعَلَا	إِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	أَنْتُمَا		مثنی مذکر مخاطب
لا تَفْعَلَا	إِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	أَنْتُمَا		مثنی مؤنث مخاطب
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	هُمْ	ایشان	جمع مذکر غایب
		يَفْعَلُنَّ	فَعَلْنَ	هُنَّ		جمع مؤنث غایب
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	هُمَا		مثنی مذکر غایب
		تَفْعَلَانِ	فَعَلْنَا	هُمَا		مثنی مؤنث غایب

كَمَلِ التَّرْجَمَةَ.

جواز

التعازف:

زائر مرقد امیر المؤمنین علیؑ: زائر مرقد امیرمؤمنان علیؑ	أَحَدَ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ: یکی از کارمندان در .....
السلام عليكم.	وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.
درود بر شما.	درود و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.
صباح الخير يا أخي. ای برادر صبح به خیر.	صباح النور و الشروق. صبح و ..... به خیر.
كيف حالك؟ حالت ..... است؟	أنا بخير، و كيف أنت؟ خوبم و تو .....
بخير و الحمد لله. الحمد لله، خوبم.	عفواً، من أين أنت؟ ، .....
أنا من الجمهورية الإسلامية الإيرانية.	ما اسمك الكريم؟
من از جمهوری اسلامی ایران هستم.	اسم گرامی شما .....

إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم من حسين است و اسم شريف شما چيست؟	إِسْمِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ. اسْمُ عَبْدِ الرَّحْمَانَ اسْت.
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟ آيا تاکنون به ايران .....؟	لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لِكَيْتِي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. نه، ..... . ولى من دوست دارم .....
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ! إِنْ شَاءَ اللَّهُ. به ايران سفر مى كنى.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ: إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. إِنْ شَاءَ اللَّهُ ..... ، به سلامت.
فِي أَمَانِ اللَّهِ. خَدَا حَافِظَ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. اِى دُوسْتَم، خَدَا حَافِظَ وَ دَر ..... اَوْ.
١- تَعَارَفَ: أَشْنَائِي بَا يَكْدِيگَر ٢- قَاعَةَ: سَالَن ٣- مَطَارَ: فِرُودگَاه ٤- مَعَ الْأَسْفِ: مَتَأَسَفَانَه ٥- وَ حِفْظِهِ: وَ دَر پَنَاهِ اَوْ ٦- أَنْ أُسَافِرَ: كِه سَفَرِ كَنَم.	

## التَّيْمِينِ

التَّيْمِينِ الْأَوَّلُ | صَغِّ هَذِهِ التَّرَاكِيْبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هَم مُجْتَهِدُونَ / هَاتَانِ الْمَرْأَتَانِ / هُوَلَاءِ التَّلَامِيذُ / هَذَانِ الْمِفْتَاحَانِ / أَوْلَئِكَ الْمُدْرَسَاتُ / تِلْكَ الشَّجَرَةُ

مفرد مؤنث	مثنى مذکر	مثنى مؤنث
.....	.....	.....
جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر
.....	.....	.....

التَّيْمِينِ الثَّانِي | عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْقَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى.

١	تَفَاح	زَمَان	مِشْمِش	حَشَب
٢	مَطْعَم	مُضْنَع	مَوْضُوع	مُسْتَشْفَى
٣	الْفَرِيق	الشَّمْس	الْكَوْكَب	الْقَمَر
٤	الْعَمُود	الْمَطَر	الْعَيْم	الزَّيْح

التَّيْمِينِ الثَّلَاثُ | صَغِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

- ١ الدَّخَانُ  نَتِيجَةُ اخْتِرَاقِ الْحَشَبِ وَ غَيْرِهِ.
- ٢ النَّهَارُ  الشَّيْءُ الَّذِي يَضَعُ مِنَ النَّارِ.
- ٣ النَّازُ  مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَ اللَّيْلِ.
- ٤ الشَّرْرَةُ  بُخَارٌ مَتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥ الدَّرَزُ  قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
- ٦ الْعَيْمُ  مِنَ الْمَلَايِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٧ الْفَسْتَانُ



التمرين الرابع | الف اجب عن الاسئلة التالية.

١ من أنت؟ ٢ من اين أنت؟

٣ كيف حالك؟ ٤ ما اسمك؟

٥ اين بيتك؟ ٦ كم صفًا في مدرستك؟

ب عيّن الجواب الصحيح.

١ لماذا تذهب (تذهبن) إلى المكتبة؟

لشراء الكتب

لمطالعة الكتب

٢ متى يبتدئ العام الدراسي في إيران؟

في الخريف

في الربيع

٣ بم يسافر الحجاج إلى مكة المكرمة؟

بالتائرة

مع أسرهم

٤ ما هو الشهر الخامس في السنة الإيرانية؟

مرداد

شهریور

ج رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً.

١ سافرت / لا: مع الأسف / حتى الآن / إلى إيران / هل / . / ؟

٢ عبد الرحمان / اسمك الكريم / إسمي / ما / . / ؟

٣ أنت / الإيرانية / من أين / الجمهورية الإسلامية / من / . / ؟

د عيّن الجواب الصحيح.

١ كم الساعة؟

الف الثامنة إلا ربعاً.

ب الثامنة و الربع.

٢ ماذا تفعل هذه البنت؟

الف هي تكتب واجبتها.

ب هي تقرأ القصة.



التمرين الخامس | عيّن الفعل المناسب للفرغ.

١ هو الله الذي ..... الثمرات من الأشجار.

يُخرج

يَعْلَم

٢ يا زميلتي، ..... إلى نزول المنطر بدقة.

أنظر

أنظري

٣ أيها الناس، ..... أن الله يحبكم.

اعلموا

اعلم

٤ نحن ..... إلى بستان قبل ثلاثة أيام.

سندهب

ذهبنا

٥ المسلمون ..... من القرآن أشياء كثيرة.

تعلموا

تعلم

٦ هؤلاء الفلاحون ..... محصول المزرعة أمس.

ما حصدا

حصدوا

٧) ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي ..... لَنَا أَنْعَمًا مِنْهُمْ رَّبًّا. سَاعَدَ  أَوْجَدَ

٨) أَنَا كُنْتُ ..... فِي مَزْرَعَةٍ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ. أَشْتَعِلُ  يَسْتَعْمِلُ

٩) نَحْنُ ..... إِلَى بِلَادِنَا فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ. رَجَعْنَا  سَنَزَجِعُ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ | الف) اِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

١) ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

الف) ستایش از آن خدایی است که آفریننده‌ی آسمان و زمین است و تاریکی‌ها و نور را قرار داد.

ب) ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پنهان کرد.

٢) ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾

الف) پروردگارا، ما را همراه گروه ستمگران قرار نده.

ب) پروردگارا، ما را با گروه ستمکاران قرار نده.

ب) اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

١) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی برسند) گرامی شوند، شایستگان هلاک می‌شوند.

٢) لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ.

به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج (نمی‌نگرید) ننگرید، بلکه به راستگویی و امانتداری (بنگرید) می‌نگرید.

٣) اِزْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَزْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.

به کسی که در زمین است (رحم می‌کنم) رحم کن، تا آن که در آسمان است (به من) به تو رحم کند.

٤) قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.

گفتن (نمی‌دانم) می‌دانم، نیمی از علم است.

٥) إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

هرگاه بر دشمنت چیره شدی؛ (بخشیدن) کشتن، او را شکرانه‌ی قدرت یافتن بر او (قرار می‌دهی) قرار بده.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ | كَمِّلِ الْقَرَأَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

١) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. هر کس ..... کاشت، ..... درو کرد.

٢) ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ برای من یاد نیکو در ..... قرار بده.

٣) ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ و کار نیکو ..... زیرا من به آن چه انجام می‌دهید، ..... است.

٤) اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالضَّيِّقِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. دانش را طلب کنید، ..... در چین باشد؛ زیرا طلب دانش ..... است.

٥) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا ..... آن چه را .....؟

٦) اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.

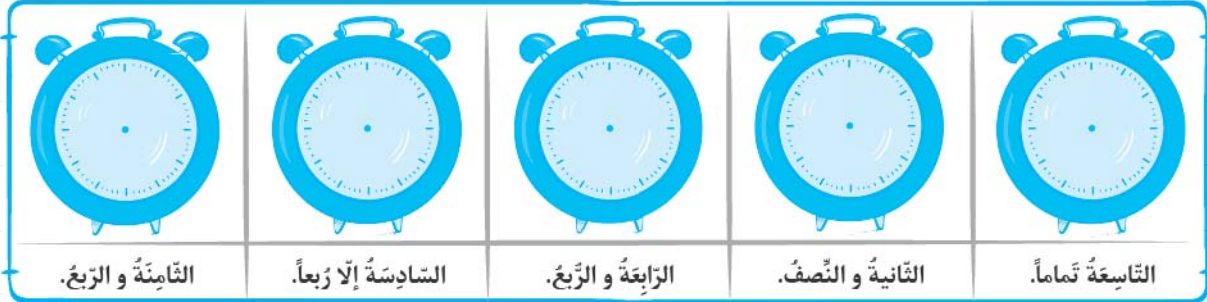
برای ..... چنان کار کن گویی همیشه ..... و برای آخرت چنان کار کن گویی فردا .....

سخن مانند داروست ..... سود می‌رساند و بسیارش ..... است.  
به ..... گفته است بنگر و به ..... گفته است ننگر.

٧ أَلَكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

٨ أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.

التَّمْرَيْنِ التَّامِينَ | أَرْسَمَ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



التَّمْرَيْنِ التَّاسِعِ | أَلِفٌ أَكْتَبَ مُتَرَادِفٌ أَوْ مُتَضَادٌّ كُلُّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا.

مَسْمُوحٌ / سَكَّتْ / حَبِيبٌ / قُبْحٌ / حَزْبٌ / شُغِلَ / وُزِعَ / اجْعَلْ / شَرَاءٌ / رَخِيصَةٌ / كَوَاكِبٌ / رَاسِبٌ

<input type="text"/>	=	مِهْنَةٌ	<input type="text"/>	≠	غَالِيَةٌ	<input type="text"/>	≠	نَاجِحٌ
<input type="text"/>	≠	تَقْوَى	<input type="text"/>	=	صَغٌ	<input type="text"/>	≠	مَمْنُوعٌ
<input type="text"/>	≠	تَكَلَّمَ	<input type="text"/>	=	صَدِيقٌ	<input type="text"/>	≠	حَسَنٌ
<input type="text"/>	=	أَنْجَمٌ	<input type="text"/>	≠	يَبِعُ	<input type="text"/>	=	صَلَحٌ

ب عَيَّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ.

صَغْبٌ / بَغْتَةٌ / كَتَمَ / صُعُودٌ / مُجْتَهِدٌ / سَهْلٌ / ضِيَاءٌ / جَمِيلٌ / نَزُولٌ / سَتَرَ / نُورٌ / قَبِيحٌ / فَجَاءَ / رَقَدَ / مُجِدَّ / نَامٌ

<input type="text"/>	=	<input type="text"/>	<input type="text"/>	=	<input type="text"/>
<input type="text"/>	≠	<input type="text"/>	<input type="text"/>	=	<input type="text"/>
<input type="text"/>	≠	<input type="text"/>	<input type="text"/>	=	<input type="text"/>
<input type="text"/>	≠	<input type="text"/>	<input type="text"/>	=	<input type="text"/>

ج صَّغْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَابِتَهُ مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

تَسْلِيمٌ / النَّارُ / الْغُدْوَانُ / التَّرْتِيبِيُّ / الْأَصْلِيُّ / نُورٌ / قَاعَةٌ / الْأَرَادُلُ

- |  |  |
|--|--|
| ١ مَنْ زَرَعَ ..... حَصَدَ الْخُسْرَانَ. | ٢ أَحَدَ الْمُؤَوَّلَفِينَ فِي ..... الْمَطَارِ. |
| ٣ «ثَمَانِيَةٌ» مِنْ الْأَعْدَادِ .....  | ٤ «الْعَاشِرُ» مِنْ الْأَعْدَادِ .....           |
| ٥ إِذَا مَلَكَ ..... هَلَكَ الْأَفْضَلُ. | ٦ أُرِيدُ ..... أُمُورِ الْبِلَادِ إِلَيْكَ.     |

التَّمْرِينُ الْعَاشِرُ | عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. (X) (✓)

- ١) الْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٢) الْجَامِعَةُ مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِيِّ بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ.
- ٣) يَبْتَدِئُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ فِي إِيْرَانٍ فِي الرَّبِيعِ.
- ٤) فَصْلَ الْخَرِيفِ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ.
- ٥) الْمَطْعَمُ مَكَانٌ نَأْكُلُ فِيهِ الْفُطُورَ وَالْغَدَاءَ وَالْعِشَاءَ.
- ٦) أَوْلَيْكَ اسْمٌ إِشَارَةٌ لِغَيْرِ التَّعْيِيدِ.
- ٧) الْمِلْفُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْأَوْرَاقِ الْإِدَارِيَّةِ.
- ٨) قَاطِعُ الرَّجْمِ هُوَ الَّذِي يَذْهَبُ لِيَزَارَةَ أَقْرَبَائِهِ.

التَّمْرِينُ الْحَادِي عَشَرَ | اِذْهَبِي عَيِّنِ نَوْعَ الْفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ.

- ١) ﴿مَا ظَلَمْنَا هُمْ...﴾
- ٢) ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ...﴾
- ٣) ﴿إِرْجِعِي إِلَيَّ رَبِّكَ...﴾
- ٤) سَنَكْتُبُ وَإِجْبِنَا.
- ٥) اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.
- ٦) لَا يَسْمَعُنَ صَوْتًا.

ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

- ١) سَأَشْرَبُ شَايًا.
- ٢) كَانُوا يَلْعَبُونَ.
- ٣) رَفَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى.
- ٤) أَسْجُدُ لِلَّهِ.
- ٥) أَنْتَ سَوْفَ تَفْرَحُ.
- ٦) لَا تَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ.
- ٧) هَلْ وَجَدْتَنِي جَوَابًا؟
- ٨) هُمَا لَا يَكْتُبَانِ.
- ٩) مَا سَمِعْنَا جَيِّدًا.

ج) اَكْتُبِي مُفْرَدًا الْأَسْمَاءَ التَّالِيَةَ.

- ١) أَقْمَارٌ:
- ٢) حَوَاسِبٌ:
- ٣) حَقَائِبٌ:
- ٤) تَلَامِيذٌ:
- ٥) زُمَلَاءٌ:
- ٦) عُصُونَ:
- ٧) آبَاءٌ:
- ٨) أَبْنَاءٌ:
- ٩) بَضَائِعٌ:
- ١٠) أَقْرِبَاءٌ:
- ١١) شَوَارِعٌ:
- ١٢) أَسَابِيحٌ:

د) اَكْتُبِي جَمْعَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةَ.

- ١) شَجَرٌ:
- ٢) نَجْمٌ:
- ٣) دُرٌّ:
- ٤) صَيْفٌ:
- ٥) مِفْتَاحٌ:
- ٦) فَاكِهَةٌ:
- ٧) مِهْنَةٌ:
- ٨) نِعْمَةٌ:
- ٩) عُرْفَةٌ:
- ١٠) رِسَالَةٌ:
- ١١) مَرِيضٌ:
- ١٢) صَدِيقٌ:

هـ) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١)  إِعْمَلُ  أَشْكُرِي  أَنْصُرُ  انْزِلُوا  ٢)  يَقْبَلُ  تَكْتُبُ  تَشْرَبُنَ  أَخَذُنَ
- ٣)  سَابَدَأُ  سَنَجْلِسُ  سَافَرْتُ  سَيَزُرُعُ  ٤)  شَجَرَةٌ  إِذْهَبُ  لَعِبْنَا  تَصْعَدِينَ

التَّمْرِينُ الثَّانِي عَشَرَ | ضَعِي فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً.

- ١) أَوْلَيْكَ، لَاعِبُونَ. .... فَائِزُونَ فِي الْمَسَابِقَةِ.
- ٢) الْيَوْمَ الثَّانِي مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمٌ .....
- ٣) نَأْكُلُ ..... فِي الظَّهْرِ.
- ٤) هَذِهِ الشَّجَرَةُ نَمَتْ مِنْ ..... وَ صَارَتْ شَجَرَةً.
- أَنْتُمْ  هُمْ
- الْإِثْنَيْنِ  الْأَحَدِ
- الْعَدَاءَ  الْعِشَاءَ
- حَجَرٍ  حَبَّةٍ

- ٥ لَوْنُ النَّبْرِ ..... وَ لَوْنُ الشَّجَرِ أَحْضَرُ.  أبيض  أزرق
- ٦ الأشجارُ في فصل الربيع ذات العُصونِ .....  النضرة  المجففة
- ٧ الفصل ..... في السنة الإيرانية فصل الصيف.  الأول  الثاني

التَّمرينُ الثَّالثُ عَشَرَ | اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ. (X) (✓)

حامدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسِبًا لَهُ وَ سَمَّحَ لَهُ بِالذُّخُولِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. بَعْدَ مَدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إداريَّةٍ لِمُدَّةِ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرِنْتِ.» جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ الْإِزْبَعًا. كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ.

- ١ حَامِدٌ بَحَثَ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرِنْتِ.
- ٢ جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً.
- ٣ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إداريَّةٍ لِمُدَّةِ شَهْرَيْنِ.
- ٤ كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ.

التَّمرينُ الرَّابِعُ عَشَرَ | اكْتُبْ تَرْجُمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ إِلَى الْفَارَسِيَّةِ.

- ١ ذَاكَ هُوَ اللهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمُ
- ٢ مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ / بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ
- ٣ أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرِ
- ٤ كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً
- ٥ فَصَبَّرَ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْتِبَارٍ حَضِرَهُ
- ٦ وَ انظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ
- ٧ وَ انظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتَهَا مُسْتَعِرَهُ
- ٨ فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ
- ٩ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ
- ١٠ وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرِهِ

## ارزشیابی تکوینی درس اول

ردیف	الف - مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)	نمره
۱	<p>تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ.</p> <p>۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾</p> <p>۲- إِزْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.</p> <p>۳- فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْتِرَابِ حَضِرِهِ</p> <p>۴- مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ / بِقُوَّةٍ مُمْتَكِرَةٍ</p> <p>۵- لِكَيْتِي أُحِبَّ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى إِيْرَانِ.</p> <p>۶- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.</p>	<p>۱</p> <p>۱</p> <p>۱</p> <p>۱</p> <p>۰/۵</p> <p>۰/۵</p>
۲	<p>إِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾</p> <p>الف) ستایش از آن خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها و روشنایی را بنهاد.</p> <p>ب) ستایش برای خدایی است که آسمان و زمین را آفریده است و تاریکی و روشنایی بنهاد.</p> <p>۲- أَنْظَرُ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ.</p> <p>الف) به آن چه گفته است می نگرم و به آن که گفته است نمی نگرم.</p> <p>ب) به آن چه گفته است بنگر و به آن که گفته است ننگر.</p>	<p>۰/۵</p>
۳	<p>كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.</p> <p>۱- فَابْنَحْتَ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا النَّمْرَةَ.</p> <p>۲- أَلْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ: قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.</p> <p>۳- أَلْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ: ضِيَاءُهُ مِنَ الشَّمْسِ.</p> <p>پس جست و جو کن و بگو ..... میوه را از آن ..... سخن مانند داروست. اندکش ..... و بسیارش ..... است. ماه سیاره ای است که به دور زمین .....؛ ..... از خورشید است.</p>	<p>۱/۵</p>
ب - مهارت واژه شناسی (۲ نمره)		
۴	<p>عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ.</p> <p>الْمَوْتُ / مُجِدٌّ / رَخِيصَةٌ / مُجْتَهِدٌ / الْحُسْنُ / غَالِيَةٌ</p> <p>۱- ..... = ..... ۲- ..... ≠ .....</p>	<p>۰/۵</p>
۵	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ.</p> <p>أَخَذَ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ.</p> <p>۱- ..... ۲- .....</p>	<p>۰/۵</p>

۰/۵	<p>عَبَّيْنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى.</p> <p>۱- مُتَحَفٌ <input type="text"/> مُمَرَّضَةٌ <input type="text"/> مَصْنَعٌ <input type="text"/> مَطْبُوعَةٌ <input type="text"/></p> <p>۲- أُسْبُوعٌ <input type="text"/> شَهْرٌ <input type="text"/> سَنَةٌ <input type="text"/> سَاحَةٌ <input type="text"/></p>	۶								
۰/۵	<p>أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ.</p> <p>۱- عُضْنُ: ..... ۲- مَفَاتِيحُ: .....</p>	۷								
ج - مہارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمبر)										
۳	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطًّا.</p> <p>۱- سَأَعْسِلُ مَلَابِسِي. .... ۲- قَرَأْتُ الْقُرْآنَ. .... ۳- لَا تَتْرِكِي يَدَ أُمَّكَ. .... ۴- لَا يَسْمَعُ جَيِّدًا. .... ۵- إِسْتِئْذَانُ الرَّسَالَةِ. .... ۶- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ. .... ۷- مَا أَكَلْتُ طَعَامًا. .... ۸- مَتَى وَصَلْتُمْ؟ ..... ۹- أَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ. .... ۱۰- يَخْرُجَنَّ مِنَ الصَّفِّ. .... ۱۱- كَانَ يَكْتُبُ وَاجِبَهُ. .... ۱۲- سَوْفَ يَأْخُذُ جَائِزَةً. ....</p>	۸								
۱	<p>عَبَّيْنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفِرَاحِ.</p> <p>۱- يَا أَيُّهَا الطَّلَابُ، بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ. .... ۲- قَالَ الْفَلَّاحُ لِأَخِيهِ: ..... مِنْ مَرْزَعَتِي. ۳- أُولَئِكَ التَّلْمِيزَاتُ ..... مِنَ الْمَسَابِقَةِ أَمْسِي. ۴- كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ ..... .</p> <p>لا تَضْحَكُوا <input type="text"/> لا تَضْحَكَ <input type="text"/></p> <p>أَخْرُجِي <input type="text"/> أَخْرُجْ <input type="text"/></p> <p>سَيَرْجِعَنَّ <input type="text"/> رَجَعَنَّ <input type="text"/></p> <p>يَذُرْسُونَ <input type="text"/> يَذُرْسُ <input type="text"/></p>	۹								
۰/۵	<p>عَبَّيْنِ نَوْعَ الْفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ.</p> <p>۱- ﴿وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ ۲- لَا تَنْظُرُوا إِلَيَّ كَثْرَةَ صَلَاتِهِمْ.</p>	۱۰								
۰/۵	<p>عَبَّيْنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.</p> <p>۱- أَخَذَ <input type="text"/> جَلَسُوا <input type="text"/> يَسْمَعُ <input type="text"/> جَعَلَنَّ <input type="text"/></p> <p>۲- أَنْظَرُ <input type="text"/> نَكْتُبُ <input type="text"/> يَغْرِفُنَّ <input type="text"/> تَنْصُرِينَّ <input type="text"/></p>	۱۱								
۱	<p>اجْعَلْ كُلَّ فِعْلٍ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».</p> <p>أَخْرُجَنَّ / عَبَّرْتُمْ / مَا سَأَلْتُ / لَا تَزْرَعُونَ / لَا تَلْعَبِي / أَكْتُبُ</p> <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>ماضی منفی</td> <td>مضارع منفی</td> <td>امر</td> <td>نہی</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> </table>	ماضی منفی	مضارع منفی	امر	نہی	.....	.....	.....	.....	۱۲
ماضی منفی	مضارع منفی	امر	نہی							
.....	.....	.....	.....							

١٣	أرسم عقارب الساعة. ١- التاسعة و الربع. ٢- العاشرة و النصف.		٠/٥
١٤	ضع هذه الجملة و التراكيب في مكانها المناسب. «إثنان زائدان» هما لاجبان / ذلك المدرس / هي تلميذة / هؤلاء المجتهدون / هاتان البنتان / هن مسرورات مفرد مؤنث      جمع مؤنث سالم      مثنى مذكر      جمع مذكر سالم		١
د - مهارات درك و فهم (٢ نمره)			
١٥	ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة» ١- الدرز      من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة. ٢- البئر      قطعة من النار. ٣- الضاعقة      حفرة عميقة في الأرض فيها ماء أو غيره. ٤- الشرزة      من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض. ٥- الفستان		١
١٦	عين الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة و الواقع. (X) (✓) ١- أعدو هو الذي لا تطلب لك الشر بل تطلب الخير. ٢- الغيم يخاز مراكب في السماء ينزل منه المطر. ٣- المتحف مكان يبيع الآثار التاريخية. ٤- الطفولة هي السنوات الأولى من حياة الإنسان.	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	١
هـ - مهارات مكالمه (١/٥ نمره)			
١٧	أجب عن الأسئلة التالية. ١- من أين أنت؟ ٢- كيف حالك؟		٠/٥
١٨	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً. ١- عبد الرحمان / إسمي / اسمك / ما / الكريم . / ؟ ٢- مع الأسف / حتى الآن / سافرت / لا: / هل / إلى إيران . / ؟		١



## سوالات چهارگزینه‌ای درس اول

### ۱- عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجِمَةِ.

(۱) الأَنْجَمُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ عِنْدَ اللَّيْلِ: هنگام شب ستارگان در آسمان صاف چون مرواریدهای پراکنده‌اند.

(۲) كَانَ وَالِدِي يَذْهَبُ إِلَى مَكْتَبَةِ الْمَدِينَةِ لِلتَّحْقِيقِ الْعِلْمِيِّ: پدرم برای تحقیق علمی به کتابخانه‌ی شهر می‌رفت.

(۳) نَشْتَعِلُ فِي مَرْزَعَتِنَا الْكَبِيرَةِ جَدًّا كُلَّ يَوْمٍ: هر روز در کشتزارمان که بسیار بزرگ است، کار می‌کنیم.

(۴) ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾: او کسی است که همه‌ی آن‌چه را در زمین است، برایتان آفرید.

### ۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْفَرَاغِ. «مَنْ أَنْزَلَ مِنْ ..... مَطْرًا؟»

(۱) الْغَيْمِ (۲) الْمَاءِ (۳) الصَّاعِقَةِ (۴) الْبَيْتْرِ

### ۳- عَيْنُ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى.

(۱) طَيَّار (۲) يَسَار (۳) خَبَّاز (۴) حَدَّاد

### ۴- إِجْعَلِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ فِي الْفَرَاغِ. «حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى ..... السَّفَرِ.»

(۱) ذَلِيلٍ (۲) شُرْطِيٍّ (۳) مَطَّارٍ (۴) قَاعَةٍ

### ۵- عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي التَّنَوُّعِ.

(۱) لَا تَكْتَبُ (۲) لَا تَرْسُمِي (۳) لَا تَحْزُنُونِ (۴) لَا تَأْكُلُ

(تهربی ۹۵)

### ۶- «العبرة بالأفعال وَ لَيْسَتْ بِالْأَقْوَالِ» عَيْنٌ غَيْرُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ.

(۱) گفتار بی‌کردار ضایع نماند. (۲) به عمل کار برآید به سخندانی نیست.

(۳) دو صد گفته چون نیم‌کردار نیست / بزرگی سراسر به گفتار نیست (۴) جهان یادگار است و ما رفتنی / به مردم نماند جز از گفتنی

(ریاضی ۹۳)

### ۷- «مَنْ يَتَأَمَّلُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا» عَيْنٌ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ.

(۱) ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (۲) سخندان پرورده پیر کهن / بیندیشد آن‌گه بگوید سخن

(۳) إذا تمَّ الْعَقْلُ نَقَضَ الْكَلَامَ. (۴) سخن تا نپرسند لب بسته دار / گهر نشکنی تیشه آهسته دار

(انسانی ۸۱)

### ۸- عَيْنُ الْخَطَا.

(۱) أَنَا مُسْلِمَةٌ وَأَنْتَ مُؤْمِنَةٌ. (۲) أَنْتَ مَعْلَمَةٌ وَأَنَا عَالِمٌ.

(۳) أَنْتَ نَشِيطٌ وَأَنَا مَجْتَهِدَةٌ. (۴) نَحْنُ مَعْتَلَمَةٌ وَهِيَ مَعْلَمَةٌ.

(تهربی ۹۵)

### ۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ: ﴿خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

(۱) الله آسمان و زمین را به حق آفریده است، قطعاً در آن آسمان و زمین برای مؤمنان نشانه‌ای هست.

(۲) خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده است، همانا در آن خلقت آیتی است مؤمنان را.

(۳) آفریدن آسمان‌ها و زمین‌ها از جانب خداوند است، همانا در آن نشانه‌ای برای مؤمنین است.

(۴) خلق کردن آسمان و زمین‌ها به وسیله‌ی الله می‌باشد، تا در آن آیتی باشد مؤمنین را.